

آثار تربیتی «مشورت»

محمد قربانزاده^۱

عارف حسین زاهدی^۲

چکیده

مشورت و هم‌فکری یکی از دستاوردهای حیات بشری بلکه از آموزه‌های دین و نکاتی است که در سیره بزرگان آئین جایگاه بی بدیلی داشته است. در قرآن کریم و در روش حضرات معصومین علیهم‌السلام و بزرگان و علمای برجسته و رهبران نیک اندیش و عادل و صالح و مدبر، این سیره و تدبیر وجود داشته که همه با هم به گفتگو و مشورت پردازند و کارها را با انجام شورا بین خود و تعامل و تضارب فکری به انجام رسانند، زیرا این روش باعث می‌شود علاوه بر تعمیق و تشویق و تحریک و تهییج، حس هم‌افزایی و مشارکت جمعی میان آحاد مردم، استفاده از اندیشه‌های مختلف و ابتکارات و خلاقیت‌های ذهنی نهادینه شود و بهترین تصمیم‌ها به دست آید و اجرایی شود. این پژوهش با تکیه بر روش تحلیلی توصیفی و با توجه به منابع دست اول کتابخانه‌ای و تفسیری پیرامون مشورت در ضمن بررسی دیدگاه‌های مختلف است. پژوهش حاضر در مقام نتیجه بر آن است که نشان دهد مشورت در تربیت مورد تاکید بوده و آیات متعددی در قرآن کریم و به خصوص آیه ۳۸ سوره شورا، به مناسبت‌های مختلف، گویای این حقیقت است که مشورت در امور مختلف چه آنها که به ظاهر کم اهمیت‌اند و چه آنها که در واقع پر اهمیت، از ارکان تدبیر اسلامی و تفکر عقلایی است که قطعاً منطبق بر آموزه‌های دینی و تربیتی هم قرار دارد.

کلید واژه‌ها: مشورت، تربیت، آیات، روایات، سوره شوری.

۱. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی صلوات‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمیه خراسان

۲. طلبه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفی صلوات‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمیه خراسان

مقدمه

در سراسر قرآن کریم به خصوص در سوره شوری اصول و روش‌ها و شیوه‌های تربیتی اشاره شده و در برخی آیات به طور وضوح در مورد برخی اصول و روش‌های تربیتی تبیین شده است. در متون اسلامی، مشورت از اهمیت بالا و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است تا آنجا که در قرآن کریم یک سوره تحت عنوان شوری وجود دارد و در آیاتی نیز مسئله مشاوره مطرح و به انجام آن دستور داده شده است.

نگرش مکتبی اسلام بر مسئله شورا از چنان ظرافت و عمقی برخوردار است که حتی مسائل بسیار کوچکی همانند از شیر گرفتن کودک را امری مشورتی بین پدر و مادر تلقی می‌کند؛ «هر آن‌گاه که پدر و مادر با رضایت و مشورت بخواهند کودک را زودتر از شیر بازگیرند گناهی بر آنها نیست». (بقره: ۲۳۳)

اهمیت مشاوره در اسلام به اندازه‌ای است که خداوند به پیامبرش امر می‌کند که مشورت کند: «و شاورهم فی الامر...» (آل عمران: ۱۵۹)

علی‌رغم اینکه پیامبر اسلام ﷺ و دیگر معصومین علیهم‌السلام عقل کل و معصوم بودند و از طریق وحی به منبع لایزال علم و قدرت خداوند ارتباط داشتند و از نظر علم و عقل هرگز نیازی به راهنمایی‌ها و ارشاد دیگران نداشتند، اما مأمور شدند تا مشورت کنند، همانطور که مورخین و مفسرین اسلامی یکی از صفات آنان را کثرت مشاوره دانسته‌اند. تربیت شکوفا کردن استعدادهای آدمی در بعدها گوناگون است و هدف از آن تنظیم عادلانه روابط انسان با خویش، خدا دیگران و طبیعت می‌باشد و تحقق آن به برنامه‌ریزی دقیق در ابعاد مختلف نیازمند است.

برنامه‌ای که بر «هست‌ها» و واقعیت‌های وجودی انسان از سویی، و بربایدها و ارزش‌های انسانی و الهی او از سوی دیگر استوار بوده و براساس آن اهداف، اصول و روش‌های تحقیق برنامه نیز تبیین شده باشد، در این میان نقش روش‌ها که در واقع

پل عبور از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است اهمیت بسیار دارد که نقش مشورت در تربیت را می توان در اینجا قرار داد.

۱. مفاهیم

۱.۱. تربیت

«تربیت» در لغت از ماده «ربا» به معنی «زاد و نما»؛ افزایش یافت، نمو کرد، گرفته شده است. (فیومی، ۱۴۲۵: ۲۱۷) در لسان العرب، می نویسد: «ربا الشیئ یربوربواً و رباءً: ای زاد و نما». (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۰۴/۱۴)

تربیت از نظر اندیشمندان معنای بسیار مبهم و پیچیده ای دارد و در میان دانشمندان و علوم مختلف محل اختلاف می باشد. اساس عالم بر تربیت انسان است؛ انسان عصاره همه موجودات است و فشرده می تمام عالم است و انبیاء آمده اند که این عصاره بالقوه را به بالفعل تبدیل کنند و انسان یک موجود الهی بشود. این موجودات الهی تمام صفات حق تعالی در او است و جلوه گاه نور مقدس حق تعالی است. (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۵۳/۱۴)

در عبارات فقها، در تعریف تربیت، اصطلاح خاصی به دست نیامده است و معنای آن ها از این کلمه، همان معنای لغوی است، یعنی زنی که فرزندی را شیر می دهد، از او مراقبت می کند و برای او وظایفی را انجام می دهد. که «متربیه» نامیده می شود. (نجفی، ۱۴۲۹: ۲۳۱/۶)

در اصطلاح حقوقی، تربیت به معنای تربیت معنوی و اخلاقی کودکان به کار می رود. (صفایی، ۱۴۰۱: ۱۴۹/۲)

اگر بخواهیم یک جمع بندی داشته باشیم می توان گفت تربیت عبارت از انتخاب رفتار و گفتار مناسب ایجاد و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته اش را در تمام ابعاد وجودی خویش به طور

هماهنگ داده و شکوفا سازد و به سوی هدف و کمال مطلوب به تدریج حرکت کند. و کاربرد آن در خارج همانند فرزند و زراعت است که قابلیت رشد و نمو داشته باشد. (ابن منظور، پیشین: ۱۲/۵)

۱.۲. مشورت

مشورت از ماده «شور» است که در لغت به معنای برداشتن و استخراج عسل از کندوی زنبور عسل است. (قرشی، ۱۳۷۱: ۸۸/۴)

در تعریف اصطلاحی کلمه «تشاوری»، «مشاورت» و «مشورت» به معنای استخراج رأی صحیح است، اینکه آدمی در مواقعی که خودش درباره کاری رأی صحیح ندارد، به دیگران مراجعه و از عقل و تجارب آنان استفاده نماید. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹۲/۱۸)

۲. مشورت در قرآن کریم

قرآن کریم نه تنها در دو سوره به این امر مهم و حیاتی اشاره فرموده، بلکه سوره چهل و دوم نیز به همین نام اختصاص یافته است.

در خطاب خداوند به پیامبر گرامی اش، چنین می‌فرماید: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَاقْتَضَوْنَا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شاورهُمْ فِي الْأَمْرِ». (آل عمران: ۱۵۹)

و اگر خشن و سنگ دل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب و در کارها با آنها مشورت کن.

خداوند عزوجل در این آیه، از پیامبر می‌خواهد که در کارها با آنان مشورت کند؛ اگر چه در واقع خداوند با این بیان خواسته است از پیامبرش تقدیر و تشکر کند و بر این کار خوب و پسندیده اش صحه بگذارد.

علامه طباطبایی می‌فرماید: «خداوند در این آیه، این سیره حسنه و پسندیده پیامبر را امضا کرده است، چرا که آن حضرت پیش از نزول آیه، با یاران خود مشورت می‌کرد و در کار جنگ احد نیز با آنان مشورت کرده بود» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴/۵۶)، در حالی که این آیه از جمله آیاتی است که در خصوص جنگ احد بر پیامبر ﷺ نازل شده است.

خداوند متعال در سوره شوری نیز در ستایش مؤمنان، به برخی از کارهای خوب آنها اشاره فرموده، چنین گوید: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ». (شوری: ۳۸)

کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده، نماز را بر پا می‌دارند، و کارهایشان با مشورت در میان آنها انجام می‌گیرد، و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند.

علامه طباطبایی در ذیل آیه مبارکه می‌فرماید: «این آیه اشاره دارد که آنان اهل رشد و رسیدن به واقعیت هستند». (طباطبایی، همان: ۶۳/۱۸)

پس معنی آیه چنین است: عزم و اراده و تصمیم مؤمنان برای انجام کاری، در پی شورایی است که در بین خود دارند. با کنار هم نهادن این دو آیه، به روشنی دو نکته را می‌توان دریافت؛ اول اینکه پیامبر ﷺ به شور و شورا و مشورت، اهمیت می‌داده و خداوند کار او را ستوده و از آن راضی بوده است. ثانیاً مؤمنان اهل رشد نیز بر اساس شور و مشورت با یکدیگر به کاری اقدام می‌کنند. بنابراین اگر ما نیز به دنبال رشد و تکامل و پیشرفت در زندگی باشیم، باید همانند پیامبر ﷺ و مؤمنان عمل کنیم.

۲.۱. چرایی مشورت پیامبر ﷺ

ممکن است به ذهن برخی این سؤال بیاید و بپرسند که مگر در پیامبر خدا ﷺ -العیاذ بالله- نقصی بوده است که با مشورت با دیگران، کامل می‌گشت و چگونه

پروردگار به او دستور مشورت داده است، درحالی‌که وی کامل‌ترین فرد عالم خلقت، بهترین انسان از نظر فکر و اندیشه، عاقل‌ترین انسان عالم وجود، تدبیر و تصمیم او محکم و رابطه او با خدا پیوسته برقرار بود و فرشتگان برای آوردن وحی بر آن حضرت نازل می‌شدند؟

پاسخ اینکه بدون تردید این دستور برای خرسندی دل و تألیف قلوب مسلمانان و بالا بردن مقام یاران آن حضرت بود و اینکه امتش در این کار به وی اقتدا و از او پیروی بنمایند. بدین جهت مشورت را در کارهای خود عیب و نقص ندانند، همچنین آنان را بدین کار امتحان و آزمایش نموده تا خالص از ناخالص جدا گردد.

۳. مشورت در سیره پیامبر ﷺ

گفتیم که خداوند دستور مشاوره به پیامبر ﷺ داده بود و او بر اساس همین فرمان، با مسلمانان به مشورت می‌پرداخت که نمونه‌های آن در کتاب‌های سیره و تاریخ فراوان نقل شده است.

۳.۱. جنگ بدر

واقعی در تاریخ خود درباره مشورت پیامبر ﷺ در جنگ بدر می‌نویسد:

گویند پیامبر ﷺ همچنان به راه ادامه می‌داد. چون به نزدیکی بدر رسید، از آمدن قریش آگاهی یافت و سپاه را از آمدن قریش آگاه کرد و با مردم مشورت کرد و نظر ایشان را پرسید؛ از جمله مقدمات برخاست و گفت: ای رسول خدا! برای انجام فرمان الهی برو! ما همراه تو هستیم. به خدا قسم، ما به تو سخن بنی اسرائیل به پیامبرشان را نمی‌گوییم که گفتند: «فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبِّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»؛ تو و خدایت بروید و خودتان جنگ کنید و ما اینجا درنگ نکنندگانیم، بلکه می‌گوییم تو و خدایت بروید و جنگ کنید و ما نیز همراه شما جنگ می‌کنیم... (واقعی، ۱۳۸۹: ۱/۳۶)

پیامبر ﷺ برای مقداد آرزوی خیر کرد. آن گاه باز هم فرمود: ای مردم! آرای خود را بگوئید. و مقصود آن حضرت، انصار بودند.... سعد بن معاذ برخاست و گفت: من از سوی انصار جواب می‌دهم. ای رسول خدا! گویا منظور تو ما هستیم؟ حضرت فرمود: آری. گفت: ممکن است شما برای انجام دادن کاری، با وحی الهی از کار دیگری منصرف شوی و به هر حال، ما به تو ایمان آورده و تو را تصدیق کرده‌ایم و گواهی می‌دهیم که هر چه آورده‌ای و بیاوری، حق است و پیمان‌های خود را به تو تقدیم داشته‌ایم که بشنویم و فرمان‌برداری کنیم. ای رسول خدا! حرکت کن و سوگند به خداوندی که تو را به حق فرستاده است، اگر پهنای این دریا را طی کنی و در آن فرو روی، همه ما با تو خواهیم بود و آن را خواهیم پیمود، حتی اگر فقط یک نفر از ما باقی بماند!

چون سعد از رایزنی فراغت یافت، پیامبر ﷺ فرمود: در پناه برکت الهی حرکت کنید که خداوند یکی از دو طایفه (کاروان یا قریش) را به من وعده فرموده است. سوگند به خدا، گویی من هم اکنون به کشتارگاه‌های ایشان می‌نگرم. (همان: ۳۶)

۲.۳. جنگ احد

واقعی در کتاب خود، درباره خواب پیامبر و مشورت آن حضرت با یاران خود درباره اینکه در مدینه با دشمنان بجنگند یا بیرون از آن، می‌نویسد:

از محمود بن لبید برایم روایت کرده‌اند که می‌گفت: پیامبر ﷺ بر منبر ظاهر شد و پس از ثنا و ستایش الهی چنین فرمود: ای مردم! من خوابی دیده‌ام. در خواب دیدم که گویی در زرهی محکم هستم و شمشیرم ذوالفقار از قبضه شکسته و شکاف برداشته است. دیدم گاو نری کشته شده و من قوچی را از پی خود می‌کشیدم. مردم گفتند: آن را چگونه تعبیر می‌فرمایی؟ فرمود: آن زره محکم، شهر مدینه است. پس در همانجا بمانید، اما شکستن شمشیرم، اندوه و مصیبتی است که به من می‌رسد. گاو هم که کشته شد، کشته شدن برخی از اصحاب من است. قوچی که از پی خود می‌کشیدم، دشمن و لشکر است

که به خواست خدا آن را خواهیم کشت... پس از آن، رسول خدا فرمود:
دیدگاه خود را به من بگویید. (واقعی، همان: ۱/ ۱۵۵)

جالب این است که برخی هم نظر با پیامبر ﷺ بودند و برخی دیگر مانند جوان‌ها بیرون رفتن را به مصلحت می‌دیدند و هنگامی که دیدند پیامبر با لباس رزم از منزل بیرون آمد، همه آن کسانی که اصرار بر بیرون رفتن داشتند، پشیمان شده، گفتند: شایسته و درست نبود که ما بر کاری که پیامبر ﷺ خلاف آن را اراده فرموده است، اصرار بورزیم. بدین جهت، گفتند: ای رسول خدا! در حد ما نیست که با شما مخالفت کنیم. پیامبر پاسخ فرمود: شما را به آن کار فراخواندم و سربیزی کردید. اکنون سزاوار نیست که پیامبر جامه جنگی خود را از تن بیرون آورد تا اینکه خداوند میان او و دشمنانش حکم فرماید. آن گاه فرمود: به آنچه فرمان می‌دهم، توجه و از آن پیروی کنید. در پناه خدا راه بیفتید. اگر شکیبایی کنید، نصرت از آن شما خواهد بود. (همان)

۴. آثار تربیتی مشورت

مشورت که از پستوانه و حیانی و عقلانی برخوردار است، فواید زیادی دارد. آثار و برکات فراوانی که از مشورت کردن نصیب انسان می‌شود، هرگز از تفکر فردی و امکانات و منابع فراوان مادی به دست نمی‌آید. در اینجا به بخشی از آثار و فواید مشورت اشاره می‌نماییم.

۴. ۱. کمک گرفتن از افکار دیگران

مشورت به انسان کمک می‌کند تا افکار و اندیشه‌های دیگران، به ویژه صاحب‌نظران و متخصصان را به یاری طلبد و با قرار دادن افکار و اندیشه‌های آنان در کنار فکر و نظر خود، بر قدرت، وسعت و عمق اندیشه و بینش خود بیفزاید و از درخشش افکار و اندیشه‌های دیگران بهره‌مند شود.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «کسی که با خردمندان و عاقلان مشاوره کند به نور عقلها و خردها روشنی یابد». (تمیمی آمدی، ۱۳۳۷: ۶۲۹)

همچنین از آن حضرت نقل شده است که هر کس با دیگران مشورت نماید، از اندیشه‌های آنان بهره گرفته است. (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱)

«لعبدالله بن العباس و قد اشار علیه فی شیء لم یوافق رایه، لک ان تشیر علی و اری، فان عصیتک فاطعنی»؛ به عبدالله بن عباس که آن حضرت را به چیزی راهنمایی کرد که با نظر ایشان سازگاری نداشت، فرمود: تو حق داری نظرت را به من بگویی و من هم نظر خاص خود را دارم. بنابراین اگر بر خلاف تو عمل کردم از من پیروی کن. (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۱)

۲.۴. زندگی با ارزش

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود:

إِذَا كَانَ أَمْرُكُمْ خِيَارَكُمْ وَ أَعْيَانُكُمْ سَمَحَاتُكُمْ وَ أَمْرُكُمْ سُورَى بَيْنَكُمْ فَظَهَرُ
الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ بَطْنِهَا وَ إِذَا كَانَ أَمْرُكُمْ شِرَارَكُمْ وَ أَعْيَانُكُمْ بُحْلَانُكُمْ وَ لَمْ
يَكُنْ أَمْرُكُمْ سُورَى بَيْنَكُمْ فَبَطْنُ الْأَرْضِ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ ظَهْرِهَا. (حرانی، ۱۳۸۰: ۳۶)

نگامی که زمامداران شما، نیکان شما باشند و توانگران شما سخاوت‌مندان، و کارهای نیک با مشورت انجام گیرد، در این موقع روی زمین، از زیر زمین برای شما بهتر است (یعنی شایسته حیات و زندگی هستید) ولی اگر زمامدارانتان بدان و ثروتمندان افراد بخیل باشند و در کارها مشورت نکنید در این صورت زیر زمین از روی آن برای شما بهتر است.

۳.۴. پشتیبانی

امیرالمؤمنین علیه السلام در اثناء خطبه می فرماید: «وَلَا مُظَاهَرَةَ أَوْثَقُ مِنَ الْمُشَاوَرَةِ؛ هیچ پشتیبانی مطمئن‌تر از مشورت نیست». (نهج البلاغه، کلمات قصار ۱۱۳)

۴.۴. شناسایی خطاها

یکی دیگر از آثار مثبت مشورت این است که مشورت کردن و استفاده از نقطه نظرهای دیگران به انسان کمک می‌کند تا خطاها و اشتباهات را بشناسد. امام علی علیه السلام فرمودند: «من استقبل وجوه الآراء، عرف مواقع الخطأ؛ هر که آرا مختلف را بررسی کند، جاهای خطا را بشناسد». (همان، حکمت ۱۷۳)

۵.۴. دستیابی به راهکار مناسب

مشورت باعث می‌شود تا تصمیم معقول و مناسبی اتخاذ شود و راه درستی انتخاب گردد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید هرکس با صاحبان اندیشه و خرد مشورت نماید، به راه درست رهنمون می‌شود. (مجلسی، ۱۳۶۷: ۷۵/۱۰۵)

۶.۴. پیشگیری از پشیمانی

معمولاً بعد از هر تصمیمی که بدون مشورت اتخاذ شود و جوانب و زوایای مختلف آن به خوبی سنجیده نشده باشد، پشیمانی و ندامت از اینکه چرا این تصمیم بدون سنجش جوانب مختلف مسئله اتخاذ شده، طبیعی است. امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام نیز فرمودند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به یمن فرستاد، سفارشات لازم را کرد و فرمود: ای علی! کسی که استخاره کند سرگردان نخواهد شد و کسی که مشورت کند پشیمان نمی‌شود». (همان: ۱۰۰)

از امام باقر علیه السلام نقل شده است: در تورات چهار جمله آمده: «مَنْ لَا يَسْتَشِيرُ يُنْدِمُ وَ الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْأَكْبَرُ وَ كَمَا تَدِينُ تُدَانُ وَ مَنْ مَلَكَ اسْتَأْثَرَ؛ کسی که مشورت نکند پشیمان می شود، فقر، مرگ بزرگ است، هر چه کنی با تو همان خواهد شد و کسی که مالک شود استبداد می ورزد یعنی نوعاً اینها از تبعات این خصلت‌ها است». (همان)

۴.۵. مبارزه با تکبر و استبداد نظر

آن‌گاه که با غفلت از مشورت، خوی استبداد و تکبر در جامعه تقویت شود و جامعه از پشتوانه فکری و عملی مشاوران محروم گردد، رکودی مرگبار رخ می‌نماید و جامعه را از پیشرفت و شکوفایی باز می‌دارد. این واقعیت در زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین جاری شده است که فرمود: آن‌گاه که فرمانروایان شما از بدانتان و ثروتمندان شما از تنگ چشمانتان باشند و مشورت و رایزنی از میاتتان رخت بر بندد، به زمین فرو رفتن شما بهتر از زندگی در آن است.

۴.۶. مذمت استبداد به رأی

از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «الْمُسْتَبَدُّ بِرَأْيِهِ مُوقُوفٌ عَلَى مَدَاحِضِ الزُّلْمِ». استبداد به رأی انسان را بر مطالب باطل و خطا حبس می‌کند. (مجلسی، همان: ۱۰۴/۷۵)

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا»

کسی که مستبد به رأی خویش باشد هلاک می‌گردد و کسی که مشورت کند با افراد بزرگ، در عقل‌های آنها شریک شده است. (حرعاملی، ۱۴۱۲: ۸/۴۲۵)

۷.۴. رسیدن به مقصود

نبی مکرم اسلام ﷺ فرمودند: هر که بخواهد کاری کند و درباره آن مشورت کند خدا او را به خردمندانه‌ترین کارها توفیق دهد. (پاینده، ۱۳۹۰: ۷۵۹)

۸.۴. کامروایی

مشاوره فرایندی سودمند است که می‌تواند زمینه‌چیرگی بر مشکلات و رشد فکری و افزایش تشخیص و تصمیم‌گیری را فراهم کند. بنابراین، کامروایی و پویایی فرد و جامعه در گرو مشورت‌دهی و مشورت‌خواهی است. امام علی علیه السلام فرمودند: «مشورت‌کننده کامیاب و رستگار خواهد شد». (تمیمی آمدی، ۱۳۳۷: ۵۸۵)

۹.۴. جلوگیری از سرزنش دیگران

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است: «ما عَطِبَ امْرُؤٌ اِسْتَشَارَ؛ سرزنش نمی‌شود کسی که مشورت کرده است». (مجلسی، پیشین: ۷۵/۱۰۰)

۱۰.۴. دستاوردهای دیگر

دستاوردهای دیگر مشورت عبارت‌اند از: پیروی از روش ائمه معصومین علیهم السلام روشن‌بینی و بصیرت، ازدیاد عقل (رشد اندیشه، قدرت تدبیر)، نوعی مشارکت فکری و تشویق به کار جمعی، قدرت تصمیم‌گیری واقع‌بینانه، احترام به افکار و آراء، موجب اطمینان نفس و راحتی، پی‌بردن بر قدرت فکری و میزان دلسوزی دیگران (شناسایی افراد شایسته از دیگران)، موجب شکوفایی استعدادها و رشد ذوق‌ها و در نتیجه موجب گشایش راه‌های نوین، افزایش میزان مطلوبیت و درجه مقبولیت (جلوگیری از بدگمانی و جلب نظر مردم)، موجب دوری از انتقادهای

مغرضانه و انتقادهایی را که بر اشخاص خودمحور و تکرار می‌باشد، تضمین تداوم کار در سایه مشورت، موجب افزایش آگاهی‌ها و معلومات دیگران.

۵. مشورت در آیه ۳۸ سوره شوری

«وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ». (شوری: ۳۸)

و کسانی که دعوت پروردگار خود را اجابت نموده، و نماز پیا می‌دارند، و امورشان در بینشان به مشورت نهاده می‌شود، و از آنچه روزیشان کرده‌ایم انفاق می‌کنند.

۱. این آیه یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مؤمنان را مشورت معرفی کرده است. اصل شورا در اسلام و زندگی اجتماعی، یکی از مهم‌ترین پایه‌هاست که فواید زیادی دارد، از جمله اینکه:

- به وسیله مشورت، اشکالات و نواقص کارها بر طرف می‌شود.

- انسان به وسیله مشورت، از فکرها و طرح‌ها و تجارب دیگران استفاده می‌کند.

- انسان، بعد از مشورت، یاران هم‌فکر پیدا می‌کند که او را حمایت می‌کنند. انسان به وسیله مشورت به سوی رشد و هدایت می‌رود و از لغزش‌ها دور می‌شود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۱۸/۳۰۲)

۲. مشورت بین مؤمنان کاری زودگذر نیست، بلکه برنامه ثابت آنهاست. (همان)

۳. شورا در اسلام

در این آیه خداوند مسلمانان را به مشورت تشویق می‌کند. در دین اسلام مسائل اجتماعی اهمیت زیادی دارد و بسیاری از فرایض به صورت اجتماعی برگزار می‌شود.

در مسائل اجتماعی برای اینکه کارها به صورت کامل و هماهنگ انجام شود نیاز به مشورت می باشد. مثلا در مسئله حج این اجتماع مسلمان‌ها و این همدلی مسلمان‌ها، این هماهنگی مسلمان‌ها، یکی از اهداف مهم حج است که باید مورد توجه قرار بگیرد.

در تمام برنامه‌های حجّاج محترم و مدیران مربوطه، این معنا باید لحاظ شود: ارتباط، اتصال، تفاهم، توافق. که همه این‌ها توسط مشورت به دست می آید. امروز وسایل هم زیاد است. ارتباطات باید برقرار شود، اجتماع امت اسلامی باید شکل بگیرد. پس بنابراین کسانی که سیاست را از اسلام جدا و نفی می کنند، اسلام را نفهمیده اند، آیات قرآن را نفهمیده اند. آیات قرآن، چه آنچه مربوط به حج است، چه آنچه مربوط به جهاد است، چه آنچه مربوط به ارتباطات مردم در یک جامعه است و چه آنچه مربوط به حاکمیت حاکم اسلامی در جامعه است، اینها همه سیاست هایی است که متعلق به اسلام است که این آیه سوره شوری به آن می پردازد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۴/۳۲۸)

۴. شأن نزول

طلحه و زبیر به حضرت علی علیه السلام گفتند: ما به شرطی با تو هستیم که در هر کار با ما مشورت کنی، زیرا حساب ما از دیگران جداست، حضرت فرمودند:

نظرت فی کتاب الله و سنة رسوله فامضیت ما دلانی علیه و اتبعته و لم احتج الی آرائکما فیه و لا رأی غیرکما و لو وقع حکم لیس فی کتاب الله بیانہ و لا فی السنة برهانه و احتیج الی المشاوره فیه لساورتکما فیه.

من در کتاب خدا و سنت رسول او نگاه می کنم هر چه بود پیروی می کنم و نیازی به رأی و مشورت شما و دیگران ندارم، ولی هرگاه امری بود که در کتاب و سنت برهانی بر آن نداشتم و نیاز به مشورت بود با شما مشورت خواهم کرد.

در آیه ۳۸، نظام شوری برای اداره امور جامعه مورد تأکید قرار گرفته و به همین جهت این سوره شوری نام گرفته است. ما نیز به همین مناسبت، بخشی از روایات در باب مشورت و شوری را در اینجا می‌آوریم.

۵. ۱. احادیث ذیل آیه ۳۸ سوره شوری در تفاسیر

امام صادق علیه السلام فرموده است: «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ أَى مَشَاوِرُونَ فِيهِ».

امام صادق علیه السلام فرمودند: در امور اجتماعی و پیشامدهای خارجی با مسلمین مشاورت کن و باز می‌فرماید: «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ». (الطایبی، ۱۳۹۱: ۶۴۶/۱۳)

علی بن ابراهیم می‌گوید:

وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ؛ یعنی کسانی که در برپایی امامت و اطاعت از امام، فرمان خدای خویش را اجابت می‌کنند. وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ یعنی آنچه را که به آن‌ها دستور داده می‌شود، می‌پذیرند و با امامشان درباره‌ی آنچه در امور دین‌شان بدان نیاز پیدا می‌کنند مشورت می‌کنند. (همان)

امام صادق علیه السلام فرمودند لقمان به فرزندش گفت:

چون با جمعی به سفر می‌روی در کار خود و آن‌ها با ایشان زیاد مشورت کن، چون از تو مشورت کنند فکرت را به کار بر و تا فکر **نکرده‌ای** و بر یک رأی ثابت قدم نشده‌ای تصمیم نگیر و اقدام نکن و جواب مشورت را نگو تا برخیزی و بنشینی و بخوری و بخوابی و نماز بگزاری و در این مدّت درباره‌ی امر مورد مشورت فکر و دانش خود را به کار بری، که هر کس درباره مشورت‌کننده‌ی خود خیرخواهی کامل و خالص نکند، خداوند رأی و عقلش را سلب کند و امانت‌داری را از او بگیرد. (طبرسی، بی تا: ۲۵۲)

از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است: «مَا مِنْ رَجُلٍ يُشَاوِرُ أَحَدًا إِلَّا هُدِيَ إِلَى الرُّشْدِ».

پیامبر ﷺ: هرکس [در کارهایش] با کسی مشورت کند، به رشد و صلاح هدایت می‌شود.

نتیجه:

شورا و مشورت در قرآن کریم و سیره نظری و عملی معصومین علیهم‌السلام با درونمایه‌ای نورانی از اسرار معنوی و خرد ناب، از مکاتبی والا و جامعیتی شگرف برخوردار بوده و در کانون توجه قرار داشته است. رهنمودهای پررمزوراز نشأت گرفته از قرآن و معصومین علیهم‌السلام در تبیین مفهوم و مفاد شورا و اهمیت و ضرورت انکارناپذیر آن، از زوایای مختلف بحث و بررسی شده و با ارائه دلایل و مستندات به نتایجی انجامیده است، از جمله:

۱. شورا و مشورت در قرآن و تفکر علوی، مبنای وحیانی داشته و مبتنی بر عقل و شرع بوده است و در واقع می‌توان آن را بازتابی مفصل از تعالیم مجمل قرآنی تلقی کرد.
۲. هیچ کس از نظرخواهی و بهره‌گیری از آرا و افکار و تجارب دیگران بی‌نیاز نیست، هرچند در خرد برتر و به دانش تواناتر بوده باشد؛ منتهی مشورت کردن با کسانی رواست که مشورت جوینده را به آنچه حق و صواب است، رهنمون شوند و از خیرخواهی به او دریغ نورزند و چنانچه نتوانند نظری صائب ارائه دهند، وی را به فردی آگاه و مطلع و مورد وثوق راهنمایی کنند.
۳. آزاداندیشی در شورا موهبتی است که به انسان امکان می‌دهد با اندیشه‌ای آزاد از هر قید و بندی آرای گوناگون را به دقت بشنود و از بهترین آنها پیروی کند و از آفت خودرایی و تکروی در تصمیم‌گیری‌ها مصون ماند.

۴. مشورت خواهی و مشورت‌دهی را آدابی موسوم به «اخلاق رایزنی» است که با رعایت دقیق آنها می‌توان روحی تازه در کالبد جامعه دمید و مردم سالاری دینی را تحقق عینی بخشید.
۵. خداوند متعال با قرار دادن سوره‌ای مخصوص و آیه‌ای خاص به مشورت، اهمیت این موضوع را در تربیت بیش از پیش مورد تأکید قرار داده است.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابن‌شعبه، حسن بن علی (۱۳۸۰)، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
 - ابن منظور انصاری، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
 - آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۳۷)، غررالحکم، مترجم: محمد علی انصاری، تهران: انتشارات محمد علی الانصاری القمی.
 - پاینده، ابوالقاسم (۱۳۹۰)، نهج الفصاحه، قم: دارالعلم.
 - حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲)، وسائل الشیعه، محقق: شعرانی، ابوالحسن و دیگران، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
 - خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
 - رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

- صفایی، سید حسین و اسدالله امامی (۱۴۰۱)، مختصر حقوق خانواده، تهران: میزان.
- الطایبی، نجاح (۱۳۹۶)، تفسیر اهل البيت علیهم السلام، قم: دارالهدی لاحیاء التراث.
- طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، تهران: فراهانی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فیومی، احمد ابن محمد (۱۴۲۵)، مصباح المنیر، قم: دارالهجره.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲)، برگزیده تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۶۷)، بحارالانوار، محقق: رضایی، عبدالحسین و دیگران، تهران: انتشارات اسلامی.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۲۹)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
- واقدی، محمد ابن عمر (۱۳۸۹)، مغازی، مترجم: مهدوی دامغانی، محمود، تهران: انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.